

معرفی نسخه خطی بیان‌المحمود*

دکتر سید محمد تقی علوی**

چکیده

تذکره‌نویسی یکی از شاخه‌های رایج در تاریخ ادب فارسی و تذکره، عنوان عمومی کتاب‌هایی است که شرح احوال شاعران، عارفان یا جماعتی دیگر به همراه نمونه‌ای از آثار و سخنان هر کدام، به طور سنتی و بدون رعایت اصول تاریخ‌نویسی و نقد جدید در آنها درج می‌شود.

یکی از دوره‌های درخشان و پررونق تذکره‌نگاری، عصر قاجاریه است. در این دوره، تدوین شرح حال شاعران، معیاری برای سنجش مایه‌های ذوق و سخن‌شناسی به شمار می‌رود. «بیان‌المحمود» عنوان یکی از تذکره‌های عصر قاجار است که به همت محمود میرزا قاجار چهاردهمین فرزند فتحعلی شاه و مؤلف تذکره الشعراء سفینه‌المحمود تدوین شده است. نسخه خطی این کتاب در بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز نگهداری می‌شود. با توجه به اهمیت تاریخی و ادبی این اثر، در این مقاله ضمن بیان مقدمه‌ای در تاریخ تذکره‌نویسی و معرفی ویژگی‌های این نسخه خطی، بر احیا، تصحیح و نشر یکی از موارث ادبی کشور تأکید شده است.

واژه‌های کلیدی: تذکره‌نویسی، دوره قاجاریه، بیان‌المحمود، محمود میرزا قاجار.

*- تاریخ وصول: ۸۸/۲/۱۵ تأیید نهایی: ۸۸/۳/۳

** - دانشیار گروه حقوق دانشگاه تبریز

مقدمه

تذکره‌نویسی و گردآوری شرح حال شاعران و سخن‌پردازان، یکی از شاخه‌های رایج در تاریخ ادب فارسی به منظور تدوین مجموعه‌ای شامل یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ و معارف ایرانی است.

گاه از مطاوی و لابلای این تذکره‌ها، مطالب مهم و موثقی به دست می‌آید که باید از رهگذر مطابقت دادن این دریافت‌ها با حقایق تاریخی، زیربنای فرهنگ بزرگ اسلام و ایران را تحکیم بخشید و به نتایجی قابل اعتماد دست یافت.

در حقیقت، مطالب موجود در خلال تذکره‌ها و جُنگ‌های ادبی و کتب تراجم، نمودار مظاهر ذوق لطیف ایرانی است و احیای این اوراق و سطور که با هدف تخلید نام و نشان گروهی از گویندگان شعر فارسی انجام گرفته، امری سودمند و پسندیده است.

«برای تدوین تاریخ ادبیات فارسی در قلمرو زبان دری که پشتوانه زبان و فرهنگ ماست و شناختن و شناساندن شاعران فارسی زبان و عصر و زمان آنان و سوانح زندگی هر یک و تعیین پایه و مایه و تشخیص سبک و سیاق سخن ایشان، نخستین مرجع ارباب تحقیق، کتب تذکره است» (گلچین معانی، ۱۳۴۷، مقدمه).

یکی از دوره‌های درخشان و پررونق تذکره‌نویسی در تاریخ ادب پارسی، عصر قاجار است. تذکره‌نگاری در این ایام چنان رونق می‌گیرد که برای ایامی چند، محک و معیار لازم برای سنجش مایه‌های ذوق و قریحه و قدرت شاعری و سخن‌شناسی به شمار می‌رود. «بیان‌المحمود» عنوان کتابی است در بیان اشعار و سروده‌های جمع کثیری از شاعران و سرایندگان دوره حکمرانی فتحعلی‌شاه قاجار که به همت چهاردهمین فرزند شاه به نام «محمود میرزا قاجار» تدوین شده است. از این مؤلف تذکره دیگری نیز در دست داریم که از نظر اشتها، بسی معروف‌تر و البته جامع‌تر از «بیان‌المحمود» است و «سفینه‌المحمود» نام دارد و در حقیقت بر اساس آنچه مؤلف در مقدمه کتاب ذکر می‌کند، بیان‌المحمود به مثابه تکمله‌ای است بر «سفینه» که البته با هدف دیگری غیر از آنچه مؤلف در سفینه در پی آن بود، تألیف شده است.

«سفینه‌المحمود» به سال ۱۳۴۶ شمسی و به اهتمام مرحوم دکتر عبدالرسول خیام‌پور و با مقدمه استاد منوچهر مرتضوی در دو مجلد از سوی مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران در دانشگاه تبریز منتشر شده است.

نگارنده در این مقاله ضمن بیان مقدمه‌ای کوتاه در باب تذکره‌نویسی و با تبیین پاره‌ای اطلاعات دربارهٔ حیات محمود میرزا قاجار، در پی معرفی نسخه خطی بیان‌المحمود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز است که در مخزن کتب خطی این دانشگاه نگهداری می‌شود. امید است این مقاله، به عنوان مقدمه‌ای بر ضرورت تصحیح و انتشار این اثر مهم ادبی تلقی گردد.

تذکره در لغت و اصطلاح

تذکره در لغت به معنی «به یاد آوردن» و «یادآوری» کردن (بدیع‌الزمان فروزانفر، ۱۳۱۹، ذیل لغت تذکره) و در اصطلاح ادبی، کتابی است که در خصوص شرح احوال و آثار شاعران و سخن‌پردازان نوشته شده باشد (دهخدا، ۱۳۷۸، ذیل لغت تذکره). در آثار قدما، تذکره در معنی شرح حال شاعران به کار نرفته است. حاجی خلیفه در کشف‌الظنون - تنها در جلد اول - از ۷۷ کتاب به عنوان «تذکره» یاد می‌کند که هیچ کدام در موضوع شرح حال نیست (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۸). عطار نیشابوری در مقدمهٔ تذکره‌الاولیاء در بیان وجه تسمیه کتاب می‌نویسد: «تذکره‌الاولیا نام نهادم تا اهل خسران روزگار، اهل دولت را فراموش نکنند (عطار نیشابوری، ۱۳۲۲، ۵)». کتاب رسالهٔ تذکرهٔ نصیرالدین توسی نیز با همین هدف تألیف شده است.

در زبان عربی، کتاب‌هایی که در موضوع تراجم و شرح حال بزرگان باشند ذیل یکی از سه عنوان زیر به کار رفته‌اند:

الف) طبقات: اگر شرح حال رجال بر اساس نسل به نسل، طبقه به طبقه و قرن به قرن باشد (طبقات‌الادبا - ابی البرکات)؛

ب) انساب: شرح حال نویسی در این روش، بر اساس نسب‌ها و بُلدان است (انساب‌سمعانی)؛

ج) مُعجم: در این روش شرح حال نویسی بر اساس حروف الفباست (معجم‌الادباء - یاقوت).

انواع تذکره‌ها

تذکره‌های فارسی به طور کلی بر دو قسم‌اند (ستوده، ۱۳۷۴، ۹۲)؛

الف) تذکره‌های عمومی

ب) تذکرة‌های خاص

تذکرة‌های نوع اخیر (خاص) خود بر سه گروه عمده تقسیم می‌شوند؛

- ۱- تذکرة‌های محلّی: مخصوص شاعران یک منطقه است.
 - ۲- تذکرة‌های اختصاصی: نوع معینی از اشعار مثلاً مثنوی، قصیده، اشعار حماسی و یا عرفانی و ... را دربردارد.
 - ۳- تذکرة‌های عصری: این آثار، اختصاص به طبقه معینی از شعرای یک عصر همچون عرفا، علما، وزرا و سلاطین دارد.
- بدین سان باید گفت کتاب بیان‌المحمود جزو تذکرة‌های عصری و البته خاص است.

تذکرة‌نویسی در ایران

از ایران پیش از اسلام، کتابی که در شرح حال شاعران باشد، در دست نداریم. در دوره اسلامی، ظاهراً نخستین اثر در موضوع ترجمه حال سخن‌پردازان، دوّمین مقاله از کتاب «چهار مقاله» نظامی عروضی سمرقندی و نیز مناقب‌الشعراى خاتونی است (هدایت، ۱۳۳۶، ج اول، ۱۷). البته تردیدی نیست که این آثار مستقلاً در موضوع شرح حال‌نویسی تألیف نشده‌اند. بنابراین تاریخ‌نگاران ادبی، قدیم‌ترین تذکرة در زبان فارسی را که با هدف شرح حال‌نگاری نوشته شده است، لب‌الباب عوفی ثبت کرده‌اند. البته بر اساس آنچه از مقدمه راحة‌الصدور راوندی به دست می‌آید، ظاهراً پیش از عوفی (سده ششم) کسانی به فکر جمع‌آوری احوال و آثار شعرا بوده‌اند (نقوی، ۱۳۴۳، ۲۳)؛ که یا موفق به این کار نشده‌اند و یا ردپایی از ایشان در تاریخ نمانده است. پس از عوفی، کسانی چون محمد پسر بدر جاجرمی (۷۴۱) مؤلف مونس‌الاحرار، دولتشاه سمرقندی (۸۹۲) مؤلف تذکرة دولتشاه، علیشیرنوبی (۸۹۶) مؤلف مجالس‌النفایس و ... به نگارش شرح حال و آثار شاعران پرداخته‌اند.

تذکرة‌نویسی در عصر قاجار

نهضت تذکرة‌نویسی فارسی در دوره قاجاریه شتاب می‌گیرد. ظاهراً نخستین کتاب تذکرة در اوان کار قاجار، «زینة‌المدایح» محمد صادق مروزی معروف به وقایع‌نگار است

که به سال ۱۲۲۳ قمری صورت تألیف یافته است. موضوع این کتاب «گردآوری اشعاری است که شعرای دربار شاه از بدو جلوس و تا سال هفتم سلطنتش سروده‌اند» (آرین‌پور، ۱۳۵۷، ج اول، ۹۲). سپس کتاب تذکره «انجمن خاقان» اثر فاضل خان گروسی است که به فرمان مستقیم پادشاه تدوین شده است. بعدها آثار متعددی چون گلشن محمود، سفینه المحمود، نقل مجالس (اثر محمود میرزا قاجار)، تذکره دلگشا (بسمل شیرازی)، نگارستان دارا (عبدالرزاق مفتون دنبلی)، تذکره محمدشاهی (بهمن میرزا) گنج شایگان (میرزا طاهر شعری) تذکره معتمدالدوله (بهار اصفهانی) تذکره قدسیه (مدایح نگار تفرشی)، انجمن ناصری (مدایح نگار) و ... در این دوره پدید می‌آیند (گلچین معانی، ۱۳۴۷، صفحات مختلف).

یکی از عوامل اصلی رشد تذکره‌نویسی در این عصر، علاقه مفرط پادشاهان قاجار بویژه فتحعلی‌شاه به مسایل ادبی و توجه به شعر و ادب و تخلید نام خویش به عنوان حامی بلامنازع ادبیات است. شاه که خود شاعر نیز بود و «خاقان» تخلص می‌کرد، در پی احیای گذشته پرشکوه تاریخ ادب فارسی بود و به فکر تجدید رونق دربار محمود غزنوی در عصر قاجار افتاده بود. بر همین اساس در دوره حکمرانی فتحعلی‌شاه و نوادگان او شعر و ادب فارسی - دست کم از حیث کمیت و فراوانی توجه به شاعران و گویندگان - به یکی از مسایل اصلی دربار تبدیل شده بود (فتحعلیشاه قاجار، ۱۳۷۰، ۳۲).

متأسفانه علی‌رغم رشد نهضت تذکره‌نویسی در عصر قاجار، آثار این دوره از تاریخ ادبی ایران بسیار آشفته و به قول استاد گلچین معانی - مؤلف تاریخ تذکره‌های فارسی - «پر از بی‌بند و باری‌ها» است (گلچین معانی، ۱۳۴۷، ۱۷۳). ظاهراً یکی از دلایل این آشفستگی و بی‌بندوباری‌ها، تکراری و تقلیدی بودن تذکره‌های فارسی در عصر قاجار است. تذکره‌های فارسی این عصر، مملو از عبارات پردازی‌ها و لفاظی‌های چاپلوسانه است. این تذکره‌ها «از زندگانی خصوصی و ادبی شعرا و نویسندگان، مطلب زیادی به دست نمی‌دهند و شخصیت صاحب ترجمه در میان عبارات بیهوده و پرتعارف گم می‌شود؛ با این

همه، همان نوشته‌ها اگر با آثار قلم خود شاعران و نویسندگان یک جا مطالعه شود، شاید پرتو ضعیفی بر خصوصیات زندگی شخصی و هنری آنان بیفکند (آرین پور، ۱۳۵۷، ۱۹۲)». در مقدمه مجمع الفصحای هدایت، استاد مظاهر مصفاً حکایت جالبی به عنوان نمونه‌ای از عبارت پردازی‌ها و لفاظی‌ها روایت می‌نماید. «تقی‌الدین کاشی در کتاب خلاصه الأشعار در ترجمه حال یکی از شاعران که پدرش کفش دوز بود برای ایجاد صنعت قلب و بازی با کلمه «کفش»، شاعر مورد نظر را از «اصحاب کشف» و شهود شمرده است (هدایت، ۱۳۳۶، مقدمه)!! البته با وجود این عبارات لفظ‌آمیز و بیهوده، نباید در طبع سلیم و ذوق شعرشناسی این تذکره‌نویسان تردید داشت و اولین دلیل بر این قدرت شعرشناسی، انتخاب استادانه و بجا از دواوین شاعران برای آرایه نمونه شعری است.

آشنایی با محمود میرزا قاجار؛ مؤلف بیان‌المحمود

یکی از چهره‌های صاحب نامی که در عصر قاجار نقش مؤثری در تألیف و تدوین تذکره‌های فارسی بر عهده داشته، محمود میرزا قاجار چهاردهمین فرزند فتحعلی شاه است (فتحعلی شاه قاجار، ۱۳۷۰، ۴۷۷). وی افزون بر اینکه خود چند تذکره فارسی تألیف کرده، مشوق نویسندگان بسیاری در تألیف و نشر آثار متعدد ادبی اعم از تذکره و دیوان شعر بوده است. حتی فتحعلی شاه قاجار دیوان اشعار خود را به درخواست وی منتشر ساخته است (همان، ۱۱۸).

محمود میرزا به تاریخ سه‌شنبه دوازدهم صفر ۱۲۱۴ قمری از زنی به نام مریم‌خاتون زاده شد. وی دو برادر تنی به نام‌های همایون میرزا و احمدعلی میرزا داشته است. شاه در چهار سالگی فرزندش، او را برای تربیت به میرزا شفیع صدر اعظم سپرد (محمود میرزا قاجار، ۱۳۴۶، ج اول، ح). محمود از همان نوجوانی در برخی از فنون از جمله رزم، سوارکاری، نجوم، طب، حکمت الهی و ... کسب مهارت کرد. «وی در اغلب این هنرها به ذروره اعتلا و ارتقا رسیده و ذوق آزمای عمران و عمارت و راه‌پیمای مسلک عشق و مودت نیز بوده است ولی این هنرها جز نهال غم و ملال و اثمار حسرت و وبال به بار نیاورده و مؤلف را بدین مصراع مترنم ساخته: جوی طالع ز خرواری هنر به» (همان).

آثار محمود میرزا قاجار

مرحوم استاد عبدالرسول خیام‌پور در مقدمه کتاب «سفینه المحمود» از ۲۱ اثر محمود میرزا قاجار نام می‌برد و برای هر کدام یک توضیح کلی می‌نویسد. منبع ذکر آثار محمود میرزا در نوشته مرحوم خیام‌پور، کتاب «مهرخاوری» میرزا معصوم کوزه‌کنانی است (همان: یه). این آثار عبارت‌اند از:

- ۱- سفینه المحمود؛ ذکر اشعار فتحعلی‌شاه، شاهزادگان و شعرای معاصر؛
- ۲- منتخب المحمود؛ ذکر احادیث و معجزات نبوی؛
- ۳- گلشن محمود؛ تعداد اولاد و احفاد فتحعلی‌شاه؛
- ۴- مخزن المحمود؛ کیفیت احوال عرفا در خوارق عادات؛
- ۵- تذکره السلاطین؛ ایام کیومرث تا دوره پادشاهی خاقان؛
- ۶- دُرر المحمود؛ گزیده‌ای از اشعار مؤلف؛
- ۷- بیان المحمود؛ اشعار فتحعلی‌شاه، شاهزادگان و شعرای معاصر؛
- ۸- محمودنامه؛ رساله‌ای در توقیعات و حکایات؛
- ۹- رؤیای صادق؛ رساله‌ای راجع به یک رؤیای شاه؛
- ۱۰- نصیحة المسعود؛ در اندرز به فرزندش؛
- ۱۱- سنبلستان؛ ذکر احوال برخی از زنان دربار؛
- ۱۲- پرورده خیال؛ رساله‌ای در مکاتبات عاشقانه؛
- ۱۳- نقل مجلس؛ رساله‌ای در احوال و اشعار شاعران زن؛
- ۱۴- مقصود جهان؛ رساله‌ای در شرح حال طوایف لرستان؛
- ۱۵- صاحب‌نامه؛
- ۱۶- تحفه شاهی؛
- ۱۷- مبکی العیون؛ هزار بیت در مضمون مرثیه؛
- ۱۸- کتاب حدیث؛ احادیثی از پیامبر و ائمه علیهم السلام؛
- ۱۹- تاریخ صاحبقرانی؛ در احوال آبا و اجداد؛
- ۲۰- مرآت محمدی؛ احوال هنرمندان عصر؛

۲۱- محمود المراثی؛ در موضوع مرثیه.

مؤلف تاریخ تذکرةهای فارسی رساله «باده بی‌خمار» را نیز جزو آثار محمود میرزا برشمرده است (گلچین معانی، ۱۳۴۷، ۷۳۳).

معرفی تذکرة بیان‌المحمود

بیان‌المحمود تذکرة گونه‌ای است شامل یک مقدمه و دو قسمت.

مقدمه: در ذکر مؤلف و سبب تألیف و مدح شاه.

قسمت اول: در ذکر احوال ۳۱۲ تن از شعرای معاصر نویسنده به اجمال و به ترتیب

حروف الفبا.

قسمت دوم: انتخاب ابیاتی از غزلیات شعرای مذکور در قسمت اول با در نظر گرفتن

حروف اول و آخر ابیات؛ در یکصد و هشتاد باب به ترتیب ذیل:

۱- باب «الف» از ردیف الف:

اشک را قاصد کویش کنم ای ناله بمان زانکه صد بار برفتی، اثری نیست تو را

۲- باب «ب» از ردیف الف:

به یک نگاه تو دادیم هر چه بادا باد جهان فانی و عقبای جاودانی را

و به همین ترتیب است تا باب «ی» از ردیف «ی»:

یک بار نخواندند و نگفتند کجایی تا چند توان رفتن ناخوانده به جایی

آغاز و پایان کتاب

بیان‌المحمود با دیباچه‌ای نسبتاً مفصل آغاز می‌شود. مؤلف پس از ستایش باری تعالی به

ذکر پنج بیت از اشعار خود می‌پردازد:

شهی کز بهر او شد خلق افلاک	چو او از عجز گفתי «ما عرفناک»
که را قدرت که گوید وصف ذاتش	که می‌داند به جز ذاتش صفاتش
چو باشد ذات و فعلش غیر محدود	به وصف او بیانی نیست محمود
نگنجد کوزه را دریای جیحون	«تعالی شأنه عما یقولون»
تعالی الله زهی قیوم عالم	خداوند جهان و رب اعظم

بر اساس آنچه از مقدمه این اثر می‌آید، بیان‌المحمود تکمله‌ای است بر سفینه‌المحمود: «چنین گوید نیازمند درگاه حضرت ملک الجبار محمود قاجار که ژولیده‌ثمری از اغصان شجره طیبه مبارکه شاهنشاهی و پژمرده‌گلی از گلستان ارم فشان ظل‌اللهی است که چون در اتمام کتاب «سفینه‌المحمود» که در ذکر افعال و احوال معاصرین است از لطف جناب ملک‌علام و از مراهم [مراحم] شهنشاه کیوان‌غلام، توفیق یافت در گلشن پژمرده خیال‌خار این مدعا دامن همت را گرفت که شاید جوانان نوخیال و موزون‌طبعان تازه‌مقال، به جهت الزام خصم در مشاعره از پی اشعاری روند که اول و آخر آن یک حرف باشد. پس این مدعا را ملاحظه کرده بر حُسن کتاب از این ترتیب تازگی افزودیم» (محمودمیرزا قاجار، نسخه خطی بیان‌المحمود، مقدمه).

چنانکه ملاحظه می‌شود هدف عمده مؤلف از تدوین بیان‌المحمود، ساختن اثری برای شاعران جوان و علاقه‌مندان به شاعری به ویژه تفنن‌های ادبی و سرگرمی از حیث مشاعره و ... می‌باشد. محمودمیرزا در مقدمه «کتاب حدیث» ذیل معرفی آثار خویش پس از ذکر «بیان‌المحمود»، هدف عمده از تدوین این اثر را «مشاعره و مراسلات» بیان می‌کند (محمودمیرزا قاجار، ۱۳۴۶: یو). شاید از همین روست که اغلب نمونه‌های شعری بیان‌المحمود، دارای مضامین عاشقانه است. لازم به ذکر است که از مهم‌ترین مقاصد تذکره‌نگاری، ایجاد اثری به منظور سرگرمی و التذاذ ادبی بوده است؛ چنانکه صاحب آتشکده آذر در سبب تألیف تذکره خود می‌نویسد: «تا هر وقت دل را شوق سخنان هر یک از متقدمین غالب گردد، تماشای این گلزار بی‌خار کرده، از نفحات ریاحین گفتار این مشام جان را رشک ساحت گلشن سازد و هر گاه خاطره مصاحبت هر یک از معاصرین را طالب باشد، ملاحظه این گنج پربها نموده از لمعات جواهر کلام آن گوش دل را غیرت وادی ایمن سازد...» (آذر بیگدلی، ۱۳۷۴، ۴).

مؤلف بیان‌المحمود از انواع قالب‌های شعری فقط نمونه‌هایی از غزل به دست می‌دهد و از شرح حال شاعران تنها به بیان تخلص و مولد شاعر اکتفا می‌کند؛ هر چند در ذکر احوال برخی از گویندگان اطلاعات بیشتری تا بیست سطر به دست می‌دهد. وی در بیان دلایل

خود از توجه به غزل می‌نویسد. «... این ذخیره که دُرّجی است پرلثالی شاهوار و جمله غزل باشد ... آن را مُسمّی بر بیان‌المحمود نمود و در ذکر شعرا به تَخْلَص فقط و نسبت هر یک به کدام بلد و فهرستی جداگانه اکتفا کرده، به حشو و زوائد نپرداخت. از اطناب مَمَل و ایجاز مخلّ عری و بری ساخت و از اجزای قصائد و رباعیات و قطعات به کلی چشم پوشید؛ چرا که اکثر عاشقان و اغلب معشوقان را به مضامین رنگین غزل حاجت افتد و از این سیاق نظم به مدّعا نزدیک گردد و با این تقریب خوشترم آمد که تمام کتاب مستطاب انتخاب غزل معاصرین باشد...» (محمود میرزا قاجار، نسخه خطی بیان‌المحمود، مقدمه)». البته محمود میرزا برای خالی نبودن کتاب از قصیده و رباعی، از هر کدام، نمونه‌های خودساخته‌ای در تعریف کتاب و مدح شاهنشاه در مقدمه جای داده، می‌گوید: «... این باغ پر گل و ساغر لبریز مُل در اواخر سال ۱۲۴۰ در کمال افسردگی و کوفته‌خاطری در دارالنشاط نهند صورت اتمام پذیرفت ...» (همان).

اگرچه در مقدمه، نام شاعران به ترتیب حروف الفباست، ابتدا نام شاهزادگان و امرا ذکر می‌شود. «... فهرست اسامی شعرا به طریق ایجاز این است که ثبت می‌گردد به ترتیب حروف تهجّی، و تَخْلَص سرکار پادشاهی لابد و الیق آن بود که در فوق و ابتدای جمله باشد، لیکن شاهزادگان و امرا را تمام به لحاظ حروف یاد کردیم و دگر فرق جداگانه چون سفینه‌المحمود نگذاشتیم.» (همان).

مؤلف در مقدمه کتاب در ضمن یک قصیده ۵۲ بیتی به معرفی کتاب و ستایش فتحعلی شاه می‌پردازد و در ادامه ۱۷ بیت به سیاق قدح و شکوه از جفای زمانه ذکر می‌کند و با این رباعی مقدمه را به پایان می‌آورد.

آن کس که پی نماز یا روزه بود یا از پی جام می به در یوزه بود
هر نقش که در کوزه همان موجود است تقصیر ز کوزه گر نه، از کوزه بود

در بیان‌المحمود ۳۵۰۰ بیت شعر درج شده که نخستین آنها از سروده‌های فتحعلی شاه قاجار و آخرین شعر از خود مؤلف است.

- اشک را قاصد کویش کنم ای ناله بمان زانکه صد بار برفتی اثری نیست مرا

(خاقان)

- یا زما شکوه نایست به اغیار کنی یا اگر کرده‌ای از چیست که انکار کنی
(محمود میرزا)

بعد از ذکر فتحعلی‌شاه، نخستین شاعر مندرج در فهرست به ترتیب حروف، احمدعلی میرزا (برادر مؤلف) و آخرین شاعر یوسف گرجی است.

در ضمن تعداد ابیات مذکور از شاعران به طور مساوی و یکسان نیست. گاه از یک شاعر فقط یک بیت ذکر شده و از شاعری دیگر ابیات متعددی نقل گردیده است. از میان شاعران، مبسوط‌ترین شرح حال مربوط به شخص نگارنده است که در ذیل حرف «م» و تحت عنوان «محمودی» درج شده است: «بی‌نام‌تر از آنم که شرح دهم، بیکارتر از آنم که به بیان آورم محروم از جمیع انبساط زمان دورم از جمله نشاط جهان؛ وجودم مایه اندوه و غم است و کالبدم محل هزار گونه ستم، بی‌آسودگی عصیان، مستحق عذابم و بی‌شائبه گناهی در دیگدان حسرت، کباب ...» (همان).

چون در مقدمه سفینه‌المحمود مندرج است که محمودمیرزا به فرمان فتحعلی‌شاه اقدام به جمع‌آوری نام و شرح حال و آثار شعرا پرداخته، فلذا ظاهراً تدوین بیان‌المحمود نیز که به مثابه جلد سوم سفینه‌المحمود است، بایستی به اشارت شاه صورت گرفته باشد. گویا در سفر فتحعلی‌شاه به چمن سلطانی به منظور جنگ با سپاهیان متجاوز روس، وی خطاب به محمود میرزا می‌گوید: «... السلطان فتحعلی‌شاه قاجار طول الله عمره به اقتضای بنده‌پروری و غلام‌نوازی به من بی‌بضاعت هیچ‌مدان از طرف قرین‌الشرف آن پادشاه عالم پناه حکم به تألیف کتابی در ذکر شعرای معاصرین رفت و امر به اجتماع اشعار آبدارشان شد ...». در همین ایام، فتحعلی‌شاه به یکی دیگر از شعرای عصر، فتحعلی‌خان صبا دستور می‌دهد که جریان جنگ‌های ایران و روس را در کتابی تحت نام «شهشاهنامه» گوید و او نزدیک پنجاه هزار بیت می‌گوید. (طاهری خسروشاهی، ۱۳۸۷، ۱۵۰).

نسخه‌های بیان‌المحمود

مرحوم خیام‌پور در مقدمه فرهنگ سخنوران از کتابی تحت عنوان «مجمع‌المحمود» نام می‌برد که دربرگیرنده نسخه‌های خطی آثار محمودمیرزا قاجار و در اختیار مرحوم حاج

حسین آقا نخجوانی بوده است. نسخه‌های متعدد بیان‌المحمود نیز غالباً ضمیمه این کتاب می‌باشد که عبارت‌اند از:

الف) کتابخانه مجلس شورای ملی - شماره ۸۹۵

ب) کتابخانه ملک - شماره ۳۶۶۵

ج) ضمیمه ریو - شماره ۳۷۷

د) کتابخانه آستان قدس رضوی - شماره ۱۱۹ و ۱۲۰

ه) کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز

استاد گلچین معانی در کتاب «تاریخ تذکره‌های فارسی»، مشخصات نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز را ذکر نمی‌کند که ظاهراً از وجود این نسخه بی‌اطلاع بوده است. در همین کتاب فهرست اسامی شعرای بیان‌المحمود (گلچین معانی، ۱۳۴۷، ۱۴۱) ذکر شده است. اینک جهت آشنایی با سبک نگارش محمود میرزا دو نمونه از تراجم این کتاب، نقل می‌شود:

«امید؛ اسمش میرزا ابوالحسن خان است اصلش از ولایت نهاوند، سال‌های دراز در خدمتم به منصب ندیمی مباحی، و در روزگار تألیف این کتاب به امر من در سرکار نواب جهان شاه میرزا خدمتگزار و در آن سرکار وزیرست».

«صاحب؛ نامش میرزا محمدتقی از اهل علی‌آباد و چندی در سرکار عبدالله میرزا وزیر بوده. به جهت آبادی کیسه خود بنای وزارت را خراب خواسته، و از آنجا بدارالخلافة طهران روی نمود، و در دفترخانه همایون روزی گذرانیدی، به علت ریزه‌چینی عبدالله خان امین‌الدوله به نواب محمدرضا میرزا ریش سفید آمد و به ملک گیلان کارگزار، هم در آن مرز و بوم از سوء سلوک و تعمیرات خود، خود را از منصب وزارت و نواب محمدرضا میرزا را از امارت خلع، و باز خود به باب الشفاعة عبدالله خان تاخت، خواهی نخواهی امورات امین‌الدوله را متکفل شده که خیرخواهی در کار پادشاهی ازو باشد، نفس نامبارک او را نیز فروگذار نکرده با خاک سیاهش همسر کرد؛ نیکوتر ازین قدم که دیده؟»

و اینک نمونه‌هایی از سروده‌های شاعران بیان‌المحمود:

- از کوی توره گم نکند خانه خود را دیوانه شناسد ره کاشانه خود را
(مجموعه اصفهانی)
- باز از شکایتی زمن آزرده شد دلش ما را به حال خود نگذارد زبان ما
(دانش اصفهانی)
- به صد افسانه با خود رام کردم پاسبانش را اجل مهلت نداد آخر که بوسم آستانش را
(منظور شیرازی)
- در هر چمن که کردم بنیاد آشیان را افتاد صلح باهم گلچین و باغبان را
(عاشق اصفهانی)
- پیش از این کاری نکرد امیدواری‌های من ناامیدی‌های من زین پس مگر کاری کند
(ناصری نجفی)
- همه شب در خیال زلف توام عمر کوتاه بین و زلف دراز
(صبای کاشانی)
- حدیث درد بی‌درمان خود را همیشه خود به خود می‌گوید این دل
(عاصی نهاوندی)
- اجلم بر سر و حسرت به دل و دیده به راه خوش به کام دل اغیار نمود ایامم
(سعید نهاوندی)
- پروانه صفت دیده به او دوخته بودم وقتی که خبردار شدم سوخته بودم
(عاشق اصفهانی)
- به مژگان رفته‌ام خاک درش اما پشیمانم که شاید در رهش افتاده باشد خار مژگانم
(مفتون دنبلی)
- دشمنی‌ها دیدم از هر کس ز راه دوستی کاش هر کس را عدوی خویش می‌انگاشتم
(فکرت لاریجانی)
- زاهدم محراب بنمود و منش ابروی یار او مرا عاقل نکرد اما منش مجنون کنم
(حسن نهاوندی)
- حُسن زهر کجا کشد دامن ناز بر زمین عشق به جای او نهد روی نیاز بر زمین
(واله سگری)

- مکن تعجیل جانا بهر صید این دل خسته که در دام آورد صیاد، صید آهسته آهسته
(آقا بابا کاشانی)
- چونی نالدم استخوان از جدایی فغان از جدایی فغان از جدایی
(هاتف اصفهانی)
- غم اوست امروز و فرداست دوزخ کشندم ز آتش به آتش که خامی
(نشاط اصفهانی)



منابع

- ۱- آراین پور، یحیی. (۱۳۵۷)، *از صبا تا نیما*، امیر کبیر، تهران.
- ۲- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ. (۱۳۷۴)، *آتشکده*، تصحیح سید جعفر شهیدی، امیر کبیر، تهران.
- ۳- خیام پور، عبدالرسول. (۱۳۶۳)، *فرهنگ سخنوران*، خوارزمی، تهران.
- ۴- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۸)، *لغت نامه*.
- ۵- ستوده، غلامرضا. (۱۳۷۴)، *مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی*، سمت، تهران.
- ۶- طاهری خسروشاهی، محمد. (۱۳۸۷)، *فصل‌های تاریکی*، (جنگ‌های روس با ایران در شعر فارسی) مطالعات ملی، تهران.
- ۷- فتحعلی شاه قاجار. (۱۳۷۰)، *دیوان اشعار*، تصحیح حسن گل محمدی، اطلس، تهران.
- ۸- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۱۹)، *فرهنگ تازی به پارسی*، وزارت فرهنگ، تهران.
- ۹- گلچین معانی، احمد. (۱۳۴۷)، *تاریخ تذکرة‌های فارسی*، دوره سه جلدی، دانشگاه تهران.
- ۱۰- عطار نیشابوری. (۱۳۲۲)، *تذکرة الاولیاء*، به اهتمام محمد قزوینی، چاپخانه مرکزی تهران.
- ۱۱- محمود میرزا قاجار. (۱۳۴۶)، *سفینة‌المحمود*، به اهتمام عبدالرسول خیام پور، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه تبریز.
- ۱۲- محمود میرزا قاجار، *بیان‌المحمود*، نسخه خطی کتابخانه مرکزی، دانشگاه تبریز.
- ۱۳- نقوی، سید علیرضا. (۱۳۴۳)، *تذکرة‌نویسی فارسی در هند و پاکستان*، علمی، تهران.
- ۱۴- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۳۶)، *مجمع الفصحاح*، تصحیح مظاهر مصفا، امیر کبیر، تهران.